

Abstract

Determining punishment is very important in deliberate and purposeful criminal policy. A review of ta'zir thefts reveals that in the Iranian legal system, there is no specific logic in determining the punishment for such crimes, and in these crimes, there are many disproportionate punishments in terms of type and amount and ineffective in achieving the goals. Clichéd and irregular punishments not only fail to achieve the purposes of punishment, but also have adverse and adverse effects on the offender. Determining the appropriate punishment and its optimal degree that is most effective is a very complex matter and requires attention to many criteria. This article emphasizes that the legislator in ta'zir thefts before any matter should determine its main purpose of punishment and choose its type according to that purpose and according to the legal, philosophical, political and sociological principles. To impose a penalty. Regarding the amount of punishment, the legislator should pay attention to the ease and benefits of committing theft, the black figure of crime, the generality of the crime and the connection between theft and other crimes, and at the same time in order to individualize the punishment and increase the positive effect of punishment Leave the punishment open.

معیارهای کیفرگذاری هدفمند سرقت‌های تعزیری در سیاست جنایی تقنینی ایران

سروش مالکی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۲

رشید قدیری بهرام آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۸

مریم نقدی دور باطنی^۳

چکیده

تعیین مجازات اهمیت بسیاری در سیاست جنایی سنجیده و هدفمند دارد. مروری بر سرقت‌های تعزیری آشکار می‌سازد که در نظام حقوقی ایران منطق خاصی بر تعیین مجازات این‌گونه جرایم حاکم نیست و در این جرایم بسیاری از مجازات‌های نامتناسب از حیث نوع و میزان و ناکارآمدی از جهت تحقق اهداف وجود دارند. کیفرهای کلیشه‌ای و بی‌قاعده نه فقط موجب عدم تامین اهداف مجازات می‌شوند، بلکه بر بزهکار تأثیراتی نامطلوب و معکوس هم دارند. تعیین مجازات مناسب و درجه بهینه آن که بیشترین کارایی را دارا باشد، امری بسیار پیچیده و نیازمند توجه به معیارهای بسیاری است. این مقاله تأکید دارد که قانون‌گذار در سرقت‌های تعزیری مقدم بر هر امری باید هدف اصلی خود را از مجازات تعیین نماید و نوع آن را با توجه به آن هدف برگزیند و با توجه به مبانی حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مبادرت به وضع کیفر نماید. در خصوص میزان مجازات نیز قانون‌گذار باید به سهولت و منافع ارتکاب سرقت، رقم سیاه بزهکاری، عمومیت جرم و ارتباط سرقت با دیگر جرایم توجه کند و در عین حال در راستای فردی سازی مجازات و افزایش تأثیر مثبت مجازات دست قاضی را در تعیین میزان مجازات باز بگذارد.

کلیدواژه‌گان: سیاست جنایی تقنینی، اهداف مجازات، تعیین مجازات سرقت تعزیری، قاضی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

^۲ - استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران، استادیار و عضو هیئت علمی

دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول) Email: r1362ghadiri@gmail.com

^۳ - استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

تعیین کرد؟ معیار انتخاب نوع و میزان مجازات مطلوب و بهینه در این گونه جرایم چیست؟ نوشتار حاضر در راستای معرفی یک راهبرد اجرایی و نه صرفاً ارائه مباحث نظری در سه مبحث ساماندهی شده است. در ابتدا مفهوم شناسی اصطلاحات و ویژگی های سیاست جنایی تقنینی کارآمد و مطلوب سرقتهای تعزیری مطرح شده‌اند و در مبحث دوم معیارهای ناظر به تعیین نوع مجازات سرقتهای تعزیری و در مبحث سوم معیارهای ناظر بر میزان مجازات سرقتهای تعزیری معرفی شده‌اند.^۱

وظیفه اصلی تدوین سیلست جنایی به قانون گذار محول گردیده و این اوست که باید انتخاب های اساسی سیاست جنایی و جهت گیری ها، هدف گذاری ها و ابزارهای آن را مشخص کند. همچنین به این جهت که در چرخه ی نظام عدالت کیفری به عنوان سگکان دار این نظام مطرح بوده و در واقع نقطه ی شروع و حرکت اولیه را جهت کنترل و مبارزه با بزه کاری در یک جامعه را به عهده داشته که با تدوین یک سیاست جنایی جهت نیل به هدف گام بر می دارد. پس هر چه قانون گذار در تهیه و تدوین قوانین و مقررات در رابطه با تعیین مجازات سرقتهای تعزیری دقت نماید و رعایت کلیه ی مبانی، اصول و معیارهای راهبردی سیاست جنایی را در در تهیه و تدوین آن ها بنماید، به همان اندازه می تواند به نتایج مطلوب تری در این خصوص نائل گردد.

۱- مفهوم شناسی:

1-1- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی به عنوان نخستین لایه ی سیاست جنایی یعنی ((تدابیر و چاره اندیشی قانونگذار راجع به جرم و یا به عبارتی سلیقه ی انتخاب قانونگذار در خصوص جرایم و مجازات ها که قانونگذار تحت تأثیر دیدگاه های جرم شناسی، جامعه شناسی، فلسفی، ایدئولوژی و غیره با ارائه چارچوب های قانون در یک دوره ی مشخص تمهید خاصی را پیش رو می نهد)). اساس مطالعات در زمینه سیاستگذاری قانونگذاری، بررسی و انتقاد از مهمترین مرحله چرخه و چرخه کیفری، یعنی مرحله ارزیابی قانونگذاری، از جمله تدوین و تدوین مقررات قانونی در مورد تعیین جرایم و پاسخهای موجود است. و اختیارات نهادهای جنایی و اجرایی. (شیخ الاسلامی، 1379: 261).

2-1- تعزیر

تعزیر در لغت به معنای تعظیم، توقیر، تأدیب، ضرب، منع، نصرت و... است. در لغت نامه دهخدا آمده است: «ریشه ی اصلی تعزیر، همان منع و رد است و معنی نصرت نیز برای تعزیر به این معنا است که

^۱ - نکته ای که در کل مقاله و به ویژه در این بخش باید به آن توجه داشت این است که این مقاله درصدد تعیین راهبردهای کلی است و تعیین ریز متغیرها را باید با ملاحظه تمام جوانب و جزئیات امر بر عهده کارشناسان قرار داد.

شما دشمن را از کسی رد می کنی و مانع اذیت او توسط دشمن می شوی و به تأدیب هم تعزیر اطلاق می شود، چون مرتکب را از تکرار گناه باز می دارد»

طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نبوده و در موارد ارتکاب منع شرعی یا نقض مقررات حکومتی مطابق قانون تعیین و اعمال می شود. نوع، میزان، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر مجازات ها توسط قانون تعیین می شود....

2- ویژگی ها و مختصات سیاست جنایی تقنینی کارآمد و مطلوب

1-1- اندیشیدگی، عقلانیت و سنجیدگی در عین ابتدای بر اصول و ارزش های بنیادین

ویژگی عقلانیت و تدبیر از مفهوم "سیاست" در اصطلاح سیاست جنایی ناشی می شود؛ زیرا سیاست اساساً درک و مدیریت مسائل جامعه است (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۷). به همین دلیل، فوئرباخ سیاست جنایی را به عنوان "مشورت برای حاکمیت قانون (دولت)" تعبیر می کند (همان، ص ۴۰)، و از نظر همین ویژگی است که در سیاست جنایی، "استراتژی" برای مبارزه و مقابله جرم بحث شده است. نامیده می شود در واقع، استراتژی یک رویکرد حل مسئله، موقعیت یابی، شناخت اهداف، یافتن راه حل و اندازه گیری و اندازه گیری آنها و در نهایت یافتن نوعی نظم و ارتباط و سازماندهی آنها است.

به این معنا، فون لیست سیاست جنایی را چنین تفسیر می کند: "مجموعه ای منظم از اصول که دولت و جامعه باید مبارزه با جرم را سازمان دهند. (همان، ص ۴۱).

از طرف دیگر، این تدبیر و تفکر است که سیاست جنایی (علمی) را ضروری می کند. در واقع، هر یک از آموزه ها و اقدامات باید در معرض آزمون و خطا قرار گیرد و با بازخورد مناسب، تعمیم و قانونی شود. از این رو، سیاست جنایی بسیار نزدیک به جرم شناسی است و به آن مرتبط است و به همین دلیل است که در تدوین سیاست کیفری استفاده از متخصصان و اندیشمندان علوم مختلف ضروری است؛ اما ماهیت علمی سیاست جنایی به این معنی نیست که می توان از هر آموزه و استراتژی متناسب با اهداف سیاست جنایی استفاده کرد. در حقیقت، اقدامات از طریق کانال عبور می کنند و اصول و ارزشهای اساسی مورد قبول هر جامعه را فیلتر می کنند و پذیرفته یا رد می شوند.

2-2- جامعیت و فراگیری در عین اولویت گرایی

پیش نیاز اثربخشی و اثربخشی سیاست جنایی، جامعیت و جامعیت آن است. از نظر م components لفه ها و عناصر یک سیاست جنایی، جامعیت به سه محور تقسیم می شود: جامعیت در موضوع، جامعیت در استفاده از روش ها، و جامعیت در به کارگیری و استفاده از مقامات درگیر در پاسخ به پدیده مجرمانه. از طرف دیگر، به دلیل ضرورت و کارایی سیاست جنایی، باید نوعی اولویت در روش ها و برنامه ها در نظر گرفته شود. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۴۷۲):

1-2-2- جامعیت در موضوع با اولویت دادن به جرایم مهم

سیاست جنایی هرگز به یک یا چند جرم خاص توجه نمی‌کند. بلکه موضوع سیاست جنایی همه جرایم است، خصوصاً اینکه امروزه یافته‌های جرم‌شناسی ارتباط جرایم با دیگران را بیان می‌کند. در واقع، جرایم مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای هستند. علاوه بر این، نیاز به برخورد اساسی با جرم، مبارزه با جرم و پیشگیری از آن به معنای نقض هنجارهای حاکم است. با این حال، اهمیت موضوع اولویت بندی به حدی است که امروزه بحث از جرم‌زدایی و مصونیت از مجازات - در زمینه قانون - و مدارا - در زمینه سیاست‌های اجتماعی وجود دارد؛ و همه اینها به منظور توجه بیشتر و جدی‌تر به جرایم مهمتر است.

2-2-2- جامعیت در روش‌ها و تدابیر با تأکید بر روش‌های اصلاح‌گرایانه و پیشگیرانه

یک سیاست جنایی اثرگذار به دنبال همه روشهای موثر در برخورد و مبارزه با جرم است، نه فقط روشهای جنایی و سرکوبگرانه مانند روشهایی که در جوامع اولیه وجود داشته است. برای شناسایی و ارزیابی اثربخشی یک سیاست جنایی، باید به لیست روش‌های توصیه شده توسط آن سیاست جنایی مراجعه کرد. لزوم جامعیت در روشها و اقدامات مقابله با جرم به دلیل گستردگی و اختلاف عوامل و زمینه‌های ظهور و شیوع جرایم از جمله عوامل و زمینه‌های فردی، داخلی، اجتماعی و خارجی است. با این حال، آنچه امروز بیشتر مورد تأکید است، اتخاذ اقدامات و روشهای پیشگیرانه با گرایش اصلاح‌گرایانه و درمانی است. زیرا این روشها نقش اساسی در مبارزه با جرم دارند.

2-2-3- استفاده از همه مراجع با اولویت دادن به مشارکت اجتماعی

واکنش عمیق، جامع و ریشه‌ای در قبال جرم مستلزم استفاده از همه مقامات مقابله‌کننده با این پدیده است، زیرا جدا از این واقعیت که برخی از ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش پدیده جنایی به عملکردها و عملکردهای نامناسب برمی‌گردد، این منابع برمی‌گردند. به همین دلیل، هر یک از آنها به توسعه و وقوع جرم کمک می‌کنند، از امکانات بالقوه و واقعی که این مقامات در اختیار دارند باید در پاسخ به پدیده جنایی به طور اثرگذار استفاده شود. بنابراین، فقط قوه قضائیه مسئول مبارزه با جرم نیست، بلکه قوه مجریه و نهادهای اجرایی و اداری، همچنین سازمانها و مراجع اجتماعی غیردولتی و افراد جامعه، حتی قربانیان نیز باید مسئول این امر باشند. درگیر این روند. (همان، ص ۴۷۳)

2-3- شفافیت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست جنایی کارآمد شفافیت و صراحت سیاست‌ها و برنامه‌های تنظیمی است. ویژگی شفافیت موجب می‌شود تا برنامه‌ی ارائه شده تفسیر پذیری و ابهام کم‌تری داشته و مشخص‌تر و دقیق‌تر باشد.

این امر باید در سه محور زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف- لفظ و عبارت. برای ارائه‌ی مکتوب برنامه‌های تنظیمی، سیاست‌گذاران باید از واژه‌ها و عبارات‌هایی استفاده کنند که در نهایت سادگی مفاهیم مورد نظر را انتقال دهند. در نگارش سیاست تدوینی نباید از عبارت‌های مبهمی استفاده کرد که برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگونی را ایجاد می‌کنند؛

ب- حق تکلیف در سطح هرسامانه ی پاسخ دهی می توان مجموعه ای از حق ها و تکلیف ها را ملاحظه کرد که بنیان سامانه ی تدوینی را تشکیل می دهند. ماهیت و دامنه ی شمول حق ها و تکلیف های مندرج در سیاست گذاری صورت گرفته باید بدون وجود هرگونه ابهامی به صراحت تعیین شود؛

ج- هدف و نتیجه. سامانه ی پاسخ دهی برای دست یابی به هدف ها و نتایج معینی تدوین می شود. ضروری ست که نتایج مورد انتظار از اجرای سامانه که در واقع فلسفه و علت اصلی وضع آن را نیز مشخص می کند به روشنی بیان شوند و از ذکر هدف های مبهم و تفسیر پذیر خودداری شود.

رعایت شفافیت و صراحت در سه محور یاد شده مانع از ارائه ی تفسیر های گوناگون و گاه نادرست از سیاست تدوینی خواهد شد. تفسیر پذیری برنامه پاسخ دهی تدوینی به بروز تعارض و سردرگمی کارگزاران اجرایی و در نتیجه آشفتگی در بدنه ی تحت سیاست گذاری می انجامد. هر اندازه میزان شفافیت و صراحت کمتر باشد، راه بر اعمال سلیقه های گوناگون و گاهی سوء استفاده ی کارگزاران اجرایی و دور شدن از عینیت و در پی آن نزدیک شدن به ذهنیت و انتزاع هموارتر می شود. در چنین وضعیتی هدف از طرح سامانه ی مورد نظر نیز به کلی مخدوش خواهد شد. این امر به ویژه در مورد سیاست های پاسخ دهی به جرم آثار سوء فراوانی را در پی خواهد داشت. طرح عنوان های مجرمانه ی تفسیر پذیر و ناشفاف پدیداری دادگری شانسی و مداخله ی شرایط روانی دادرسان در تعیین سرنوشت مرتکب را در پی دارد. (ایروانیان، ۱۳۸۸: ۹۸).

2-4- هزینه بری اندک در عین بازدهی زیاد

یکی از مباحث مهم در زمینه سیاست جنایی بحث اقتصاد سیاست جنایی است. شکی نیست که طراحی ، برنامه ریزی و اجرای اقدامات و روش ها و دریافت بازخورد و اصلاح آنها که از آن به عنوان مدیریت سیاست جنایی تعبیر می شود ، چیزی است که هزینه های زیادی را به جامعه تحمیل می کند و دولت ها مجبورند هزینه های دیگری را غیر از بودجه عمومی؛ چیزی که می تولد قیمت ها را افزایش دهد ، فقر ایجاد کند و جامعه را طبقه بندی کند و غیره ، که خود یک عامل جنایی است. بنابراین ، یکی از ایده هایی که امروز در تدوین سیاست جنایی دنبال می شود ، کاهش هزینه های برخورد با جرم و همچنین هزینه های مجازات است (یزدیان جعفری ، ۱۳۹۵: ۳۵۷) ، با انجام اقداماتی که این مهم را برای آن فراهم می کند ، اما در عین حال دارای کارایی بسیار بالایی است ، خصوصاً اینکه بحث در مورد هزینه ها فقط بر روی منابع مادی و غیر انسانی متمرکز نیست ، بلکه منابع انسانی از جمله هزینه ها هستند.

با این حال ، علاوه بر ویژگی های ذکر شده ، ویژگی های دیگری نیز وجود دارد که می توان برای یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب جستجو کرد که در این مقاله ذکر نشده است.

3- تعیین مجازات سرقتهای تعزیری بر اساس مبانی حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی

از نظر حقوقی ، مجازات کیفری نوعی واکنش رسمی در برابر نقض هنجارهای اجتماعی است ، یکی از اصلی ترین ویژگی های آن وجود عنصر "رنج" است ، اگرچه مرزهای مبهمی با مجازات های اداری ، اقدامات امنیتی ، اقدامات اصلاحی و حتی گاهی اجرای آن. دارای حقوق مدنی است. وجود این مرزهای

مبهم ریشه در تحول دیدگاه‌های حقوقی از طریق تکامل زندگی اجتماعی دارد. از نظر فلسفی، مجازات از نظر "چه" و "باید" مورد بحث قرار می‌گیرد. در این زمینه، فقها، فلاسفه و فلاسفه علاقه مند به حقوق نوشتند. و هرکدام سعی کرده اند نهاد مجازات را حسب مورد با تأکید بر مباحث فلسفی یا حقوقی توضیح دهند. در بعد سیاسی، رابطه بین مجازات و دولت مورد تأکید قرار گرفته و تکامل انحصار مجازات توسط دولت در نظر گرفته می‌شود. اگر مجازات در انحصار دولت باشد، در این صورت دولت به عنوان یک متغیر مستقل نقش مهمی در تکامل نهاد تعزیرات به عنوان یک متغیر وابسته بازی می‌کند. مجازات مظهر حاکمیت است و رابطه اساسی بین این دو وجود دارد. نتیجه اینکه بین مجازات و سایر مظاهر حاکمیت رابطه متقابل وجود دارد. نوع و کیفیت مجازات تحت تأثیر نظام سیاسی حاکم است و به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد. اما از نظر جامعه‌شناسی مجازات یک پدیده اجتماعی است و بنابراین مانند سایر پدیده‌های اجتماعی در عمل و واکنش با سایر پدیده‌های اجتماعی است. جایگاهی که جامعه‌شناسانی مانند دورکیم، وبر و مارکس به عنوان سه نظریه پرداز اصلی در زمینه جامعه‌شناسی به نظام حقوقی داده اند و ضمانت اجرای آن، به ویژه مجازات‌ها، نشان دهنده نقشی است که نظام کیفری در تبیین آن دارد. سایر ملفه‌های اجتماعی. (دورکیم، ۱۳۶۰: ۹۰).

توجه به ابعاد متعدد مجازات علاوه بر داشتن ارزش نظری، از نظر عملی نیز حائز اهمیت است. وقتی قانونگذار کیفری از این واقعیت آگاه باشد که مجازات صرفاً بیان در قالب کلمات قانون نیست و مبتنی بر اصول حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناسی است. نتیجه در نظر گرفتن مجازات به عنوان یک موجود زنده خواهد بود. موجودی که بدنش از اندام‌های مختلفی تشکیل شده است و هرکدام از آنها نقش خاصی در بقای آن دارند. اسکلت این بدن در جامعه ریشه دارد و سیاست مغز راهنمای این بدن است و پوست حقوق بر روی آن کشیده شده و اخلاق روح این بدن است. این موجود زنده برای بقا و مجازات خود شرایط قانونی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را دارد و مراحل تولد، کودکی، بلوغ، میانسالی و پیری را طی می‌کند. این نگاه چند بعدی به مجازات نقش مهمی در واقع‌گرایی سیاست‌گذاران جنایی در تدوین، تعیین و اجرای مجازات‌ها دارد. این نگاه چند بعدی به مجازات باعث می‌شود سیاست‌گذاران جنایی در برج عاج از مجازات استفاده نکنند و واقعیت‌های اخلاقی، سیاسی و جامعه‌شناختی را در بهره‌برداری از آن در نظر بگیرند. (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۸).

۴- معیارهای ناظر به تعیین نوع مجازات سرقت‌های تعزیری

مهم‌ترین امر در راستای تعیین مجازات، تعیین هدف اجرای مجازات در مورد بزه یا بزه‌کار سرقت است. به این معنا که در مرحله نخست قانون‌گذار باید دقیقاً مشخص کند که چرا بزه‌کار جرم سرقت را مجازات می‌کند؟ آیا هدف از اجرای کیفر اصلاح آن بزه‌کار است یا باز داشتن جامعه از جرم مشابه و یا ناتوان ساختن بزه‌کار از ارتکاب جرایم بیشتر؟ و یا با اجرای یک مجازات در حد سزادادن بزه‌کار و التیام آلام بزه دیده برمی‌آید؟ پس از «تعیین هدف اعمال مجازات»، باید به «گزینش نوع مجازات» پرداخت.

۴-۱ تعیین هدف مجازات

هر مجازات از جهت تأمین اهداف با مجازات‌های دیگر متفاوت است تا آن‌جا که ممکن است یک مجازات نه تنها هدفی از اهداف چهارگانه را تأمین نکند، بلکه در جهت عکس آن هم تأثیر بگذارد. از این رو، تعیین هدف برای هر مجازات یک امر تخصصی است و سیاست‌گذاران با ارجاع امر به اهل فن باید هدف از اجرای مجازات برای سرقت تعزیری را مشخص کنند. به این جهت، نباید تعیین هدف مجازات را به قاضی واگذار کرد و دست وی را برای انتخاب نوع مجازات باز گذاشت، بلکه غالباً واگذاری به قاضی در حد تعیین «میزان» مجازات کافی و البته لازم است. در غیر این صورت، با وضعیتی مواجه می‌شویم که اشورث از آن به عنوان «نظام قهوه‌خانه‌ای»^۱ در مجازات یاد می‌کند (Ashworth, 2; 6Z)، شیوه‌ای که در پی هدفی مشخص نیست و قاضی به سلیقه خود می‌تواند هر مجازاتی را که برای بزه‌کار مناسب می‌داند تحمیل کند (محمودی، ۱۳۸۸: ۶۷۷). البته اعطای اختیار به قاضی در جهت انتخاب شیوه‌های شبه کیفری یا آنچه در قانون مجازات از آن به عنوان جایگزین حبس یاد شده است و دیگر نهادهای تکمیلی بی‌اشکال است و اتفاقاً در راستای اصل فردی سازی مجازات به کارآمدی کیفر یاری می‌رساند و دفاع کردنی است.

روش‌های تعیین مجازات متفاوت هستند و هر کدام دارای آثار مثبت و منفی خاص خود است. یک روش برای تعیین مجازات آن است که در سرقت تعزیری به طور مشخص تعیین شود. دغدغه و غایت اصلی جرم‌انگاری این رفتار مجرمانه، حمایت از کدام یک از بزه‌کار، بزه دیده و جامعه است. آیا قانون‌گذار دغدغه **نظم** عمومی و حمایت از جامعه را داشته است؟ یا ظالم قربانی را رد نکرد و برای حمایت از او بیرون آمد؟ یا اینکه ولی به منظور محافظت از مجرم و منافع وی، این رفتار را جرم تلقی کرده است؟ به این ترتیب سه دسته از اهداف یعنی اهداف مجرم، اهداف بزه دیده و اهداف جامعه باید از یکدیگر تفکیک شوند. بر این اساس، اگر فلسفه جرم‌شناسی مصلحت‌اندیشی مجرم بوده است، هدف اصلاح بر سایر اهداف برتر است و با اولویت و مرکزیت این هدف، باید نوع مجازات تعیین شود. اگر منافع قربانی، نگرانی اصلی، جلب رضایت قربانی است و در صورت عدم انجام آن، مجازات می‌تواند اثرگذارتر از اهداف دیگر در تأمین منافع قربانی باشد. اگر مصلحت جامعه و حفاظت از آن بر مصالح و منافع بزه‌کار و بزه دیده ترجیح داشته باشند، باید به دنبال اهداف ارباب و ناتوان سازی بود. به این ترتیب، باید هدف نخستین را در سرقت تعزیری با توجه به موضوع جرم‌انگاری مشخص کرد و از مجازات‌های کلیشه‌ای و یکسان خودداری کرد. گام بعدی گزینش کیفری است که آن هدف تعیین شده را بهتر و بیشتر تأمین می‌کند.

۲-۴ گزینش مجازات متناسب با هدف

پس از انتخاب هدف یا اهداف، باید نوع مجازات را متناسب با هدف انتخابی تعیین کرد. در این قسمت، سوال اصلی این است که هر گونه خاص از مجازات‌های سرقت‌های تعزیری (حبس، جزای نقدی و شلاق) کدام هدف از اهداف چهارگانه (اصلاح، ارباب، سزادهی و ناتوان سازی) را تأمین می‌کند؟ بحث از اینکه هر نوع مجازات کدام هدف را تأمین می‌کند بحث جدیدی نیست، اما همچنان ابهام موضوع باقی است، چرا که مسأله تابع معیارها و متغیرهای فراوانی است و بزه‌کاران هم نسبت به مجازات‌ها

^۱ - cafeteria system.

واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. برای یافتن پاسخ این سؤال کلیدی باید به دو سؤال مقدمه‌ای پاسخ داد: نخست این که هر یک از اهداف چهارگانه با چه روشی محقق می‌شود؟ دوم اینکه ملاک ارزیابی هر یک از اهداف چهارگانه چیست؟

در پاسخ به سؤال نخست باید گفت هدف اصلاح با در دستور کار قرار دادن برنامه‌های باز پرورانه، البته بسته به شخصیت بزهکار، محقق می‌شود و ارعاب هم با هر روشی که به سلب صرفه‌ی سرقت یا انصراف بزهکار از ارتکاب سرقت بینجامد پیوند دارد. اما سزا دهی جز با تحمیل رنج بر بزهکار محقق نمی‌شود و ناتوان سازی هم با کنترل توانایی‌های بزهکار در ارتکاب سرقت به دست می‌آید. در پاسخ به سؤال دوم باید اظهار داشت هدف اصلاح با قابلیت شخصی باز پروری و هدف سزا دهی با زیان فردی ارزیابی می‌شود، اما در ارعاب و ناتوان سازی باید خطر اجتماعی را ملاک ارزیابی دانست.

۳-۴ مقایسه مجازات‌های اصلی سرقت‌های تعزیری از حیث تأمین اهداف

مجازات‌های اصلی سرقت‌های تعزیری شامل حبس، شلاق و جزای نقدی^۱ می‌شوند.

باور بر این است که این گونه مجازات‌های اصلی با همراهی مجازات‌های تکمیلی قابلیت تحقق چهار هدف اصلی ارعاب، سزا دهی، اصلاح و ناتوان سازی را دارند.^۲

اگر چه اثبات این باور دشوار است، رد آن نیز به دلیل و ارائه‌ی جایگزین احتیاج دارد و با انکار این مجازات‌های اصلی، جایگزین‌های چندانی برای تأمین اهداف چهارگانه نمی‌توان پیشنهاد داد.

از این رو با پذیرش این مجازات‌های پایه، به همان سؤال اصلی بازگشت که هر یک از مجازات‌های اصلی، کدام یک از اهداف مجازات را بهتر و بیشتر تأمین می‌کند؟ از آن جا که بحث تفصیلی در این باره از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، به فرا تحلیل (تحلیل داده‌های پژوهش‌های دیگر) در این باره اکتفاء می‌شود.

۱-۳-۴ حبس

سلب آزادی از معدود مجازاتی است که انواع اهداف مجازات‌ها را تعریف می‌کند و به همین دلیل، تمام نظریه‌های توجیه‌کننده مجازات بر استفاده از این نوع مجازات‌ها تأکید ویژه‌ای دارند (غلامی و افضلیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). با این حال، آمارها نشان می‌دهد که حبس تأثیر کمی در بازدارندگی خاص دارد و میزان تکرار سرقت در میان زندانیان آزاد شده زیاد است. (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۴۸) در این رابطه می‌توان نتیجه گرفت که کارهای اصلاحی در زندان زیاد نیست.

در واقع، زندان علاوه بر ناکامی در دستیابی به اهدافی مانند اصلاح و آموزش مجرمین و همچنین کاهش تعداد سرقت‌ها، به یک معضل تبدیل شده است. (اسفندیاری و جوان جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۷). در مجموع، صاحب نظران معتقدند زندان بهترین مکان برای اعمال هدف ناتوان سازی است (ونیتز، ۱۳۹۴:

۱ - جزای نقدی به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی سرقت رایانه‌ای است.

۲ - واقعیت آن است که این مجازات‌ها، همان طور که در ادامه خواهد آمد، غایت اصلاح را محقق نمی‌کنند

۶۲). این نظر را می‌توان چنین نیز تفسیر کرد که بهترین مجازات برای دستیابی به هدف ناتوان سازی نیز مجازات حبس است و قدر متقین این است که کیفر حبس دارای جنبه‌ی ناتوان سازی بالایی است.

۳-۴-۲ جزای نقدی

جزای نقدی بهترین پاد زهر برای جرایم علیه مالکیت خصوصاً سرقت‌های تعزیری است. کسانی که انگیزه‌های قوی برای گردآوری و تحمیل نا مشروع مال و منفعت دارند جزای نقدی را مانعی بازدارنده بر سر راه خود می‌بینند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۹۲). مطالعه دیگری (غلامی و افضلیان، ۱۳۹۰: ۱۵۴) تأیید می‌کند که جریمه‌ها می‌توانند نقش بیشتری در رسیدن به هدف بازدارنده خاص داشته باشند. همچنین مناسب‌ترین مجازات برای سرقت ساده در نظر گرفته شده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۷). رعایت اصل تناسب^۱ جرم با مجازات می‌طلبد که نوع مجازات بسته به نوع جرم باشد و با طبیعت جرم سنخیت داشته باشد. در این جا نوعی زیبایی‌شناسی عقلانی کیفر مطرح است؛ زیرا فقط در هنرهای زیبا نیست که باید وفادارانه از طبیعت پیروی کرد، بلکه نهادهای سیاسی یا دست کم نهادهایی که ویژگی‌شان فرزاندگی است و عناصری از دوام را دارند بر پایه طبیعت استوارند (میشل، ۱۳۸۴: ۱۳۳). افلاطون در کتاب قوانین، کیفر دادن مجرم به همان شیوه‌ای که مرتکب جرم شده است یعنی تحمل شر مشابه عمل مجرمانه را عدالت مطابق طبیعت می‌نامد؛ یعنی شیوه‌ای از مجازات که طبیعت خود پیشنهاد می‌کند (کلی، ۱۳۸۲: ۷۹). پس طبیعت سرقت‌های تعزیری، مجازات جزای نقدی را می‌طلبد. متأسفانه در غالب گونه‌های سرقت‌های تعزیری قانونگذار از حبس و شلاق استفاده نموده و ابداً صبحتی از جزای نقدی ننموده است. لذا پیشنهاد نگارندگان این است که قانون‌گذار در سرقت‌های تعزیری علاوه بر مجازات حبس، مجازات جزای نقدی را در اصطلاحات آتی منظور نماید.

۳-۳-۴ شلاق

یکی از مجازات‌هایی که برای سرقت‌های تعزیری توسط قانون‌گذار تعیین شده است شلاق است، این مجازات هر چند مخالفان زیادی دارند. رد کلی آن در مواردی که بزه دیده و جامعه خواهسته‌های تقاص گونه داشته باشند چندان مفید نیست، زیرا اگر بزه دیده و جامعه نتوانند از رهگذر پاسخ‌های مورد حمایت دستگاه عدالت کیفری به خواهسته‌ی خود دست یابند، به انتقام خصوصی متوسل می‌شوند.

کارکرد اصلی این مجازات را باید در غایت‌های سزا گرایانه جستجو کرد. البته با توجه به ماهیت آن که آسیب جسمی شدیدی برای مجرم به همراه دارد و نیز نحوه‌ی اجراء، به نظر می‌رسد آثار باز دارنده‌ی آن هم درخور توجه باشند. با این وجود این مجازات علی‌رغم نقاط قوتی که دارد بنا به دلایل ذیل باید از زمره‌ی مجازات‌های سرقت‌های تعزیری حذف گردد: اولین؛ مجازات شلاق با شیوه‌های جنایی مدرن و اصلاح طلبانه مغایرت دارد. ثانیاً نقش ترسناک و بازدارنده شلاق بسیار سوال برانگیز است، گرچه نمی‌توان آن را کاملاً انکار کرد. ثالثاً؛ هیچ رابطه مستقیمی بین شلاق زدن و مهار انگیزه‌های جنایی وجود ندارد. چهارم؛ شلاق مغایر با موازین بشردوستانه و اسناد حقوق بشری است. پنجم؛ در اجرای یا عدم

^۱ - یکی از مباحث مهم، در کیفر گذاری سرقت‌های تعزیری اصول حاکم بر آن‌ها می‌باشد که موضوع مقاله‌ی دیگری است.

اجرای این مجازات، در مورد بحث "مصلحت" یا "عدم" بین علما توافق و اجماع وجود ندارد. ششم اجرای عمومی این مجازات و پیامدهای آن می‌تواند در دفن و ترویج خشونت نقش موثری داشته باشد. (نجفی، میلکی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

۴-۳-۴- اعمال مجازات‌های تلفیقی سرقت‌های تعزیری

رویکرد یکپارچه به عنوان راهی برای پاسخگویی به طیف وسیعی از مشکلات مجازات، به دادگاهها امکان می‌دهد تا از طریق بازدارندگی، توانبخشی و از کارافتادگی، از ملاحظات گذشته و ملاحظات آینده غافل شوند. ابزار را تا آنجا که ممکن است برای ترکیب استفاده کنید (هالوی، ۱۳۹۳: ۸۷). در صورتی که یک مجازات نتواند به هدف اصلی برسد یا تصمیم گرفته شود که با حمایت هر دو طرف از پدیده جنایتکار، به دو هدف دست یابد، ترکیب مجازات‌ها معمولاً ضروری است، بدین معنی که هدف آن حمایت از قربانی و جامعه یا جامعه است. قربانی. یک جنایتکار یا بزهکار و جامعه باشید. باید تأکید کرد که رویکرد یکپارچه شعبه مبتنی بر عدم تناقض مجازات‌های مختلف (حبس، جزای نقدی و شلاق) و امکان جمع آوری اهداف مختلف است. بنابراین، اگر اهداف متعددی توسط قانونگذار در نظر گرفته شود و در این بین هیچ اولیوی وجود نداشته باشد و یک مجازات دستیابی به هدف مجازات اصلی را دشوار نکند، امکان جمع آوری و ترکیب مجازات‌های مختلف وجود دارد.

بنابراین، در بیشتر موارد، هدف از حمایت از بزهکار (اصلاح) نمی‌تواند با اهداف حمایت از جامعه (ارعاب) و بزه دیده (مجازات) ترکیب شود. اما حمایت از بزه دیده (مجازات) و جامعه (ارعاب یا ناتوانی) تلفیق بیشتری دارند. در این موارد، تمرکز باید بر روی شناسایی ترکیبی از انواع مجازات و درجه ای باشد که آنها به بهترین وجه در خدمت هدف یا اهداف مورد نظر هستند. شناسایی این نکته بسیار دشوار است و برای دستیابی به آن، بسیاری از متغیرها و معیارها باید همزمان در نظر گرفته شوند.

بین سزا دهی با دیگر اهداف مجازات تناقض وجود دارد، چنانکه سزا دهی رویکردی رو به گذشته، استحقاق محور و وظیفه گرا دارد، اما دیگر اهداف مجازات (ارعاب، اصلاح و ناتوان سازی) رویکرد رو به آینده، فایده محور و غایت گرا دارند.^۱ لذا به نظر می‌رسد بر اساس این رویکرد که سزا دهی (شلاق) رو به گذشته است و دیگر اهداف مجازات مانند ناتوان سازی (حبس) که رویکردی آینده نگر دارد، مجازات‌های تعیینی سرقت تعزیری (شلاق و حبس) توسط قانون گذار از حیث تأمین اهداف باهم مغایر باشند. لذا پیشنهاد می‌شود قانون گذار در اصلاحات آتی به این نکته توجه نماید.

۴-۳-۵- دخالت بزه دیده و بزهکار در تعیین مجازات سرقت‌های تعزیری

اگرچه اکنون به نظر می‌رسد شهروندان توافق دارند که دولت قدرت مجازات را دارد، اما چنین توافق نامه ای می‌تواند ناشی از مشارکت طولانی مدت دولت در مجازات باشد، صرف نظر از دلیل دخالت مزن دولت در مجازات در نتیجه این مدت طولانی مداخله کوتاه مدت با گذشت زمان، شهروندان حق مسلم خود در پاسخ به جرم را فراموش کرده اند و به نظر می‌رسد که تسلیم حق تسلیم دولت شده اند.

^۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به هادی رستمی، (۱۳۹۵)، در تقابل وظیفه گرایی فایده محور در توجیه کیفری، پژوهش‌نامه‌ی حقوق کیفری، سال هفتم، شماره‌ی دوم

در تعیین مجازات سرقت، بررسی اساسی عوامل تعیین کننده مجازات با هدف احیای نقش طرفین اصلی سرقت، یعنی قربانی و مجرم، ضروری است. استراتژی مجازات سرقت های تعزیری در مواردی که سرقت قابل گذشت باشد. از حق قربانی برای نفوذ در تصمیم دادگاه محافظت می کند، زیرا هیچ کس بهتر از قربانی نمی تواند به قربانی خدمت کند. بنابراین، وقتی سرقت قابل بخشش است و فقط هدف مجازات در نظر گرفته می شود، باید نقش اصلی در تعیین طیف یا نوع مجازات به قربانی اختصاص یابد.

بعلاوه، حق مجرم در تعیین سرنوشت خود نباید نادیده گرفته شود. البته اعطای این حق مطلق نیست و هم در عمل و هم در میزان تداخل اراده مجرم، به بسیاری از شرایط از جمله اصلاح هدف مجازات با رضایت قربانی مقید است. توضیح اینکه اگر هدف از سرقت بدنی اصلاح مجرم است، هیچ کس بهتر از مجرم نمی تواند روند اصلاح را تعیین کند، همانطور که از نظر تئوریک یا مجرم قصد اصلاح آن را دارد، که با انتخاب نوع مجازات توسط خودش بهتر حاصل می شود. یا قصد تغییر و اصلاح ندارد که در این صورت حتی اگر مجازات شود اصلاح او غیرممکن است. اعطای این حق به بزهکار ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت انسانی، عدالت، اصلاح و توان بخشی، افزایش احساس مسئولیت، توجه به شخصیت مجرم، تناسب مجازات و پیشگیری از جرم (سرقت) دارد. (حاجی آبادی و قادری نیا، ۱۳۹۵: ۷۳). در مواردی که رضایت قربانی توسط قانونگذار در نظر گرفته شود، می توان با مشارکت مجرم در تعیین سرنوشت خود برای جلب رضایت قربانی، تا حد ممکن نظر قربانی را ارائه داد. به عنوان مثال، اگر قانونگذار صلاحیت تعیین نوع مجازات جرم سرقت را دارد که با جرم انگاری از قربانی محافظت می کند، اگر نظر قربانی را جلب کند؛ برای دستیابی به این اختیار، مجرم هدف قانونگذار از رضایت قربانی را برآورده می کند.

۳-۳-۴- توجه به ملاحظات خاص گونه‌های سرقت یا بزهکار

نباید فراموش کرد که تعیین مجازات برای انواع سرقت یا بزهکار باید با ملاحظات خاص آن سرقت همراه باشد. به عنوان مثال، در سرقت های سنگین و سرقت های ساده، قانونگذار علاوه بر حبس خاص، مجرم را تا ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم کرده است. بنابراین قانونگذار مجبور بود مژه ها را با توجه به شدت سرقت تعیین کند. توجه به مجازات جزای نقدی برای مرتکبان استفاده غیر مجاز از خدمات رفاهی، آن گونه که در قانون مجازات استفاده کنندگان آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز^۱ مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۰ پیش بینی شده است، نشان می دهد قانون گذار چندان به وضعیت خاص این افراد توجه نداشته است؛ زیرا چنین رفتارهای مجرمانه ای اغلب در بین افراد حاشیه نشین و کم درآمد اتفاق می افتد. در چنین شرایطی، اعمال مجازات هایی مانند شلاق و جریمه برای عاملان این جرایم به اندازه کافی مثر نیست، اما با کنار گذاشتن قانون کیفری، صلاحیت قانون کیفری شکسته می شود و جدیت سیستم عدالت کیفری و قطعیت مجازاتها به چالش کشیده می شود. آنها روبرو هستند، راه حل این

۱ - برای اینکه ربودن، آب، برق، تلفن و گاز سرقت محسوب می شود بنگرید به حسین میر محمد صادقی (۱۳۹۶) حقوق کیفری اختصاصی ۲ جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان

وضعیت، هرچه که باشد، نوعاً مجازات نیست. در مقابل، در مواردی که با موجی از جرم روبرو هستیم مجازات یا تغییر نوع آن و تشدید آن می تواند میزان رشد سرقت را کنترل کند.

۵- معیارهای ناظر بر میزان مجازات سرقت‌های تعزیری

تعیین میزان مجازات علاوه بر مرحله مجازات (مجازات) به مرحله مجازات (مجازات) نیز مرتبط است؛ و در حالی که قانونگذار حداقل و حداکثر مجازات‌ها را تعیین می کند، قضات باید بسته به شرایط، در موارد مختلف میزان مجازات را تعیین کنند. سیستم انعطاف ناپذیر مبتنی بر قانون، احساس بی عدالتی را ایجاد می کند (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ۶۷۲)، زیرا توانایی پاسخگویی به تمام معیارهای بالقوه مرتبط با مجازات عادلانه را ندارد.

روند تعیین مجازات سرقت‌های ta'z.r بسته به اینکه کدام یک از چهار هدف مجازات ارباب، مجازات، اصلاح یا از کار انداختن باشد متفاوت است. اگر هدف از مجازات اصلاح باشد، عامل م on اثر در میزان مجازات مدت زمانی است که به طور معمول اصلاح می شود. از آنجا که متغیرهای زیادی در طول این مدت تأثیر می گذارد، قانونگذار باید قاضی را آزاد بگذارد تا به محض دستیابی به اصلاح، مداخله کند و این امکان را دارد که دادگاه در حین صدور حکم از اختیار خود استفاده کند. اگر هدف از مجازات، از کار افتادگی باشد، حداقل و حداکثر مدتی که جامعه برای در امان ماندن از مرتکب جرم سرقت نیاز دارد، باید به عنوان دوره مجازات در نظر گرفته شود. اگر هدف از مجازات مجازات باشد، میزان مجازات باید از نظر ادعای بزه دیده یا جامعه تعیین شود. در موارد فوق که هدف از مجازات چیزی جز ارباب نیست، نیازی به توجه به سهولت سرقت، قطعیت و قطعیت مجازات و غیره نیست. اما اگر هدف از اعمال کیفر ارباب باشد، معیارهای مختلفی در تعیین میزان کیفر نقش ایفاء می کنند که سیاستگذاران باید با لحاظ جملگی آن‌ها به تعیین میزان مجازات اقدام کنند. این معیارها را می توان به دو دسته‌ی معیارهای عام و خاص تقسیم نمود، تقسیم بندی معیارهای مؤثر بر میزان کیفر به عام و خاص از آن جهت مفید است که معیارهای عام بیشتر باید در مرحله‌ی کیفرگذاری مورد توجه مقنن باشند و معیارهای خاص باید در مرحله‌ی کیفر دهی مورد توجه دادرس باشند.

۵-۱- معیارهای عام

معیارهای عمومی اثرگذار در مجازات سرقت تعزیری شامل "سهولت سرقت"، "منافع و خسارات"، "شخصیت جرم سیاه" و "ارتباط نسبی سرقت با سایر جرایم" است. این پیش فرض این است که مرتکب نسبت به تغییر در میزان مجازات پاسخگو و حساس باشد، در غیر این صورت، اگر مرتکب به مجازات توجه نکند، تأثیر ضوابط مربوط به حبس از بین می رود.

۵-۱-۱- سهولت ارتکاب سرقت

هر چه ارتکاب سرقت با سهولت بیشتری همراه باشد باز دارندگی از آن با دشواری بیشتری مواجه است. به همان اندازه که سهولت در انجام سرقت باید به میزان مجازات اضافه شود تا حسابدار را مجبور به ارتکاب سرقت نکند. به عنوان مثال، جرایم سرقت سایبری در فضای مجازی بسیار آسان تر از فضای

واقعی است. بنابراین، برای کنترل این جرایم، مجازات باید شدیدتر از دنیای واقعی در نظر گرفته شود. در مورد سرقت رایانه، موضوع ماده ۷۴۰ قانون مجازات مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. نکته ای که نباید از آن غافل شد این است که تشدید مجازات در ارعاب و جلوگیری از جرم چنان اثرگذار است که جرم قبلاً در بین شهروندان عادی جامعه (و نه مجرمان) معمول نبوده است. تعمیم جرم توسل به مجازات های شدید با چالش کنار آمدن روبرو است. در این شرایط به جای مجازات های شدید، باید به استراتژی های عدالت ترمیمی متوسل شد، زیرا تعمیم جرم در یک جامعه نشان دهنده آسیب رساندن به مسئولیت جامعه است و عدالت ترمیمی در پی ارتقا روح مسئولیت مجرم و جامعه است.^۱

۱-۱-۶- منافع و خسارات ارتکاب سرقت

توجه به منافع و خسارات ارتکاب سرقت بیش از هر مجازاتی در خصوص مجازات جزای نقدی به عنوان مجازات پیشنهادی نگارندگان برای سرقت های تعزیری موضوع قانون تعزیرات سال ۷۵ است. در تحقیقات متعددی به موضوع مدل سازی برای تعیین شدت جریمه ها پرداخته شده است (صبوری پور، ۱۳۹۲: ۹۳)، اما به طور کلی، هر مجازات باید به گونه ای تعیین شود که امکان بهره مندی مجرم از جرم از بین برود. در عین حال باید هزینه خسارات وارده توسط مجرم را نیز در نظر گرفت، به طوری که حتی اگر سود سرقت برای مجرم بیش از خسارات وارده برای جامعه باشد، بازدارندگی از جرم قابل دستیابی است. این بدان معناست که مجازات باید با توجه به میزان بیشتر در سود جرم یا آسیب آن به جامعه تعیین شود، یعنی مجازاتی که هم بیشتر از سود جرم باشد و هم خسارتی که جرم به جامعه وارد می کند. به عنوان مثال، اگر منفعتی که سارق به دست می آورد معادل ۳۰ واحد باشد و خسارتی که از این سرقت به جامعه تحمیل می شود معادل ۴۰ واحد باشد، مجازات این سرقت باید کمینه بیش از ۴۰ در نظر گرفته شود تا بتوان آن را در ذیل مجازات های بهینه گنجاند. همچنین اگر در همین مثال منفعت سارق معادل ۴۰ واحد باشد و خسارت تحمیلی بر جامعه معادل ۳۰ واحد باشد، باز هم کمینه ی مجازات باید بیش از ۴۰ در نظر گرفته شود.

نتیجه گیری

در فرآیند تعیین مجازات های سرقت های تعزیری قانونگذار ابتدا باید نوع آن را مشخص نماید. انتخاب این گونه کیفرها باید با ملاحظه ی دغدغه ی جرم انگاری آن ها به عمل آید. به این ترتیب، اگر جرم در راستای حمایت از جامعه باشد، یعنی هدف از کارافتادگی در نظر گرفته شود، مجازات حبس مجازات مناسب و اثرگذار در نظر گرفته می شود. اما اگر هدف از جرم انگاری حمایت از بزه دیده است، نباید راه حل آن را در زندان و جزای نقدی جستجو کرد، بلکه راه حل نهایی مجازات است. اما در وهله اول، ادعای مشروع باید با اعطای حق شرکت به قربانی تأمین شود. در این موارد، با تعیین رضایت قربانی

^۱ - برای مطالعه ی بیشتر در این زمینه بنگرید به: احمد حاجی ده آبادی و احسان سلیمی (۱۳۹۶)، «از علت شناسی تا پاسخدهی در پارادایم عدالت ترمیمی»، دانش نامه ی عدالت ترمیمی، مجموعه مقالات همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، نشر میزان

برای پیشگیری از بزهکار در تعیین سرنوشت پرونده جنایی، می‌توان به مجرم حق دخالت در تعیین سرنوشت پرونده کیفری را نیز داد، تا مجرم به دادگاه رضایت دهد. مجازات قربانی از ترس مجازات انجام دهد. همچنین، اگر هدف از جرم انگاری منافع مجرم باشد، هیچ یک از انواع اصلی مجازات سرقت (حبس، شلاق و جریمه نقدی) راهی برای اجرا نیست و برنامه‌های درمانی اصلاحی باید کانون توجه به جرم باشند. از سرقت در این موارد، مجرم باید در تعیین نوع مجازات دخیل باشد، بنابراین اگر قصد اصلاح دارد، می‌تواند روند اصلاح را بهتر تعیین کند، و اگر قصد تغییر و اصلاح را ندارد، اصلاح، هرچند با تعیین مجازات.

در میان مجازات‌های سرقت تعزیری، گاهی دستیابی به چندین هدف همزمان امکان‌پذیر است و گاهی چنین تلاشی منجر به نقض قصد می‌شود. به این ترتیب، در مواردی که این امکان وجود دارد، برای دستیابی به حداکثر اهداف ممکن (حبس و جزای نقدی) می‌توان و باید ترکیب مجازات حاصل شود. اما در مواردی که اهداف مورد انتظار قابل جمع نیستند (حبس و شلاق)، نباید اثر مجازات اصلی را با اثرات سایر مجازات‌ها اشتباه گرفت.

در مورد مجازات سرقت‌های تعزیری، نباید از هدف اصلی و نگرانی ناشی از سرقت غافل شد. اگر هدف از مجازات، از کارافتادگی باشد، قانونگذار باید مجرم را با توجه به خطر اجتماعی و آسیب‌هایی که برای جامعه به وجود می‌آورند، از تولد کیفری محروم کند، اگر هدف از مجازات مجازات باشد، مبلغ باید از قاضی خارج شود. با صلاحدید و به قربانی اختیار داده شد که مجازات را به حداقل و حداکثر برساند. اگر هدف از مجازات اصلاح مجرم باشد، میزان پاسخ باید تا حد ممکن انعطاف‌پذیر در نظر گرفته شود و با تفویض آزادی عمل به قاضی، هر جا که هدف از تصحیح محقق شد، باید پاسخ را متوقف کرد. اما اگر هدف از مجازات رعب و وحشت باشد، چند معیار اعم از عام و خاص باید همزمان توسط قانونگذار و قاضی در نظر گرفته شوند و طبق آنها مجازات بهینه تعیین شود. همچنین، سیاست‌گذاران جنایی باید مجازات سرقت تعزیری را با توجه به مبانی قانونی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی تعیین و تعیین کنند.

منابع

الف. فارسی

- ۱- آماده، غلامحسین (۱۳۸۹). ضابطه‌مندی اختیارات قضایی در تعیین مجازات در نظام کیفری ایران، انگلستان و مصر، رساله‌ی دکتری رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- ایروانیان، امیر، (۱۳۸۸)، سیاست جنایی (پیشینه‌ی تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها)، تازه‌های علوم جنایی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان
- ۳- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
- ۴- اسفندیاری، محمدصالح (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی زندان، تولد و استمرار زندان از نگاه دورکهایم، فوکو، وبرو الیاس، تهران، انتشارات مجد.
- ۵- اسفندیاری، محمدصالح؛ جوان جعفری، رضا (۱۳۹۵). «کارکرد زندان از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی مجازات»، فصلنامه‌ی آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲.
- ۶- پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، کیفرگذاری در پرتو اصل کرامت انسان، مجله حقوق اسلامی، شماره ۵۶
- ۷- تقی‌زاده اوشان، ابراهیم (۱۳۷۳). اصول حاکم بر مجازات‌ها (در حقوق کیفری ایران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۵)، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، جرم‌شناسی و سیاست جنایی (به کوشش حسینعلی بای)، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۹- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ قادری‌نیا، محمد (۱۳۹۵). «مبانی، آثار و چالش‌های حق مجرم در تعیین سرنوشت خویش در دعوی کیفری» مجله حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱
- ۱۰- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۶). «عمومی شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم عدالت ترمیمی»، دانش‌نامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۱- حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی (در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران)، چ اول، تهران: سمت و دانشگاه تهران
- ۱۲- دورکیم، امیل، (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه‌شناسی، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، چ اول، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها
- ۱۳- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). تناسب جرم و مجازات چ سوم، تهران، انتشارات سمت.

- ۱۴- رحیمی نژاد، اسماعیل؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۷). مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸.
- ۱۵- رستمی، هادی (۱۳۹۵). «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده محور در توجیه کیفر»؛ پژوهش‌نامه‌ی حقوق کیفری، سال هفتم، شماره‌ی دوم.
- ۱۶- شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۷۹)، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در قلمرو جرایم مطبوعاتی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۷- صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۲). «مدل‌سازی برای تعیین شدت بهینه‌ی کیفر نقدی»، در: دایره‌المعارف علوم جنایی، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارت میزان.
- ۱۸- علیان، عیسی؛ میبدی، محمدفاکره (۱۳۹۷). تناسب جرم و مجازات براساس آیات قصاص، فصلنامه‌ی مطالعات تفسیری، سال نهم، شماره ۲۶.
- ۱۹- غلامی، حسین (۱۳۹۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا، تهران، انتشارت میزان
- ۲۰- فرجیها، محمد؛ عابدی‌نژاد مهرآبادی، زهرا (۱۳۹۱). «سنجش و مدیریت خطر مرتکبان سرقت در نظام کیفری ایران»، مجله دانش انتظامی، شماره‌ی ۵۴.
- ۲۱- فوکو، میشل (۱۳۸۴). مراقبت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکوسرخوش و افشین جهان دیده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نی.
- ۲۲- کلی، جان (۱۳۸۲). تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمدراسخ، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۲۳- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۸). نظام کیفردهی: هدف‌ها و ضرورت‌ها، در: تازه‌های علوم جنایی، علی حسین نجفی ابرند آبادی (زیرنظر)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- ۲۴- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۶). حقوق کیفری اختصاص ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، انتشارت میزان.
- ۲۵- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ آهاده، غلامحسین (۱۳۹۰). «واکاوی اختیارات قاضی در تخفیف مجازات»، مجله تحقیقات حقوقی، (ویژه‌نامه)، شماره ۵.
- ۲۶- نجفی تولنا، علی؛ میلیکی، ایوب (۱۳۸۶). شلاق در پرتو لندیشه‌های کیفری، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، پیش شماره‌ی ۲.
- ۲۷- وینتر، هرولد (۱۳۹۴). اقتصاد جرم، ترجمه‌ی حمید بهره‌مند؛ زهرا ساکیانی، تهران، انتشارات دادگستر.
- ۲۸- هالوی، گابریل (۱۳۹۳). کیفردهی آموزهای مدرن، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات دادگستر.

۲۹- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۵). «اصل فردی کردن مجازات‌ها: تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر»، فصلنامه‌ی حقوق اسلامی، شماره‌ی ۱۱.

۳۰- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۵)، تأملی بر نظام هزینه-فایده در حقوق کیفری جرم شناسی و سیاست جنایی (به کوشش حسینعلی بای) چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ب. انگلیسی

31- Ashworth, Andrew (2000). "sentencing and criminal justice", published by butterworths.

32- Rakoff, jed (2013). Why the federal sentencing guidelines should be scrapped, federal sentencing reporter, vol. 26.

۳3- Yellen, david (2005). Reforming the federal sentencing guidelines' misguided approach to real-offense sentencing. Stanford law review, vol. 58.